

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Narrativity in Contemporary Architecture: A
Heideggerian Phenomenological Reading
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

روایتگری در معماری معاصر: خوانش پدیدارشناسی هایدگری*

شیرین نواب لاهیجانی^۱، سعید حقیر^{۲*}، علی اکبری^۳، رکسانا عبدالهی^۴

۱. گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. گروه معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران
۳. گروه معماری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۴. گروه معماری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱

چکیده

بیان مسئله: در معماری معاصر، نوعی انزوای معناشناختی مشاهده می‌شود که معماری را به ابژه‌ای صرفاً فیزیکی تقلیل داده و پیوند آن با تجربه انسانی و معنا را تضعیف کرده است. این چالش، ضرورت بازخوانی معماری از منظری پدیدارشناختی را برجسته می‌سازد تا فضاها به بستری برای ظهور هستی و تجربه زیسته تبدیل شوند. پدیدارشناسی هایدگری، با تأکید بر مفاهیمی چون «دازاین» و «سکنی گزیدن»، چهار چوبی برای فهم عمیق‌تر این رابطه ارائه می‌دهد. **هدف پژوهش:** هدف این پژوهش تبیین مقوله‌های بنیادین معماری روایتگر از منظر پدیدارشناسی هایدگری و بررسی بازتاب آن‌ها در تجربه زیسته انسان است و درصدد ارائه چهار چوبی نظری برای رهایی معماری معاصر از انزوای معنایی و تقویت پیوند انسان با محیط است.

روش پژوهش: این پژوهش با روش مرور نظام‌مند فراترکیب و تحلیل محتوا و براساس الگوی ساندلوسکی و باروسو انجام شد. جامعه پژوهش شامل ۵۷ پژوهش علمی منتشر شده بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ در پایگاه‌هایی مانند Scopus، Web of Science و Google Scholar بود که با معیارهای ورود مشخص انتخاب شدند. داده‌ها به صورت کیفی و از طریق تحلیل مضمون کدگذاری و در قالب ۱۰ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان دادند این مقوله‌ها (شامل هویت و معنا، روایت تاریخی و میراث، تجربه حسی و ادراکی، تعامل کاربر با فضا و زمینه، ساختار و فرم روایتگر، بیان سمبلیک، روایت‌های موضوعی و زمینه‌ای، تلفیق و پیوند در طراحی، تعامل با زمینه و جامعه و کیفیت زندگی و هویت معمار) با مفاهیم هایدگری همچون «بودن در جهان» و «مراقبت» هم‌پوشانی دارند. نتیجه آنکه معماری روایتگر می‌تواند تجربه زیسته را غنی کند و به خلق فضاهایی معنادار و هویت‌سازبی انجامد.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی معماری، پدیدارشناسی هایدگری، تجربه زیسته، دازاین، هستی‌شناسی مکان، معماری روایت‌گرا، پدیدارشناسی معماری.

مقدمه

تجربه زیسته انسان را غنی‌تر می‌سازد (Pallasmaa, 2024). در این پژوهش، علاوه بر تبیین مقوله‌های بنیادین روایتگری از منظر پدیدارشناسی هایدگری، به بازتاب آن‌ها در تجربه زیسته انسان نیز پرداخته می‌شود تا پیوند نظریه با تجربه واقعی تقویت گردد.

در معماری معاصر، جایی که چالش‌های جهانی شدن و یکنواختی فضاها هویت مکان‌ها را تهدید می‌کند، روایتگری به ابزاری برای بازآفرینی پیوندهای عاطفی و معنایی با فضا تبدیل شده است. این رویکرد، با تأکید بر چگونگی درک و تجربه انسان از محیط، معماری را از یک عمل صرفاً کارکردی به سوی یک فرایند فرهنگی

روایتگری در معماری به‌عنوان رویکردی نوظهور، فراتر از صرف طراحی کالبدی فضاها، به خلق معنا و ارتباط عمیق میان انسان و محیط می‌پردازد. این مفهوم، معماری را به‌مثابه رسانه‌ای برای انتقال داستان‌ها، خاطرات و ارزش‌های فرهنگی تعریف می‌کند که

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «شیرین نواب لاهیجانی» با عنوان «خوانش پدیدارشناسانه روایتگری در آثار معماری معاصر با تأکید بر آرای هایدگر» است که به راهنمایی دکتر «سعید حقیر» و مشاوره دکتر «علی اکبری» و دکتر «رکسانا عبدالهی» در گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران در حال انجام است.
** نویسنده مسئول: saeed.haghir@ut.ac.ir، ۰۹۱۲۴۴۳۴۹۲۷

• پدیدارشناسی هایدر و معماری

مارتین هایدر (Heidegger, 1967)، فیلسوف آلمانی، در آثارش به ویژه در کتاب «هستی و زمان»، بر رابطه وجودی انسان با جهان تأکید می‌کند. او مفهوم دازاین را معرفی کرد؛ موجودی که از طریق تجربه زیسته خود معنا خلق می‌کند. به این ترتیب، جهان برای هایدر صرفاً مجموعه‌ای از اشیا نیست بلکه شبکه‌ای از معانی است که در تعامل انسان با محیط شکل می‌گیرد. در حوزه معماری، این دیدگاه توجه ویژه‌ای به تجربه زیسته در فضا و نقش مکان در خلق معنا دارد. مفهوم «سکنی گزیدن» که هایدر بعداً مطرح کرد، حضور معنادار انسان در جهان را نشان می‌دهد و بر آن اساس، معماری باید فضایی ایجاد کند که فراتر از سرپناه، امکان تجربه وجودی و ارتباط عمیق با مکان را فراهم آورد.

نوربرگ-شولتز (Norberg-Schulz, 2000) با الهام از هایدر مفهوم «روح مکان» را توسعه داد و اهمیت خلق فضاهایی که هویت و معنای فرهنگی و تاریخی را بازتاب دهند، برجسته کرد. اگرچه دیدگاه‌های پدیدارشناسی دیگر مانند مریلوپونتی (Merleau-Ponty, 1962) نیز بر تجربه فضایی و سوبژکتیویته و ادراک حسی تأکید دارند، تفاوت اصلی آن‌ها با هایدر در این است که تمرکز هایدر بر پیوند وجودی انسان و مکان و امکان خوانش هستی‌شناختی رابطه انسان با فضا است.

علاوه بر رویکرد پدیدارشناسی، نظریه‌های دیگر نیز راه‌های متفاوتی برای تحلیل روایت و فضا ارائه می‌دهند. ساختارگرایان معماری را نظامی از الگوها و روابط زیرین می‌دانند (Lévi-Strauss, 2008; Barthes, 1977)، در حالی که نشانه‌شناسان بر نمادها و کدهای فرهنگی به عنوان حاملان معنا تمرکز دارند. پس‌اساختارگرایان نیز فضا را از منظر گفتمان‌های قدرت و تاریخ‌مندی تحلیل می‌کنند (Foucault & Miskowiec, 1986; Derrida, 2002). با این حال، انتخاب پدیدارشناسی هایدر برای این پژوهش، به دلیل تمرکز بر تجربه زیسته و پیوند وجودی انسان و مکان، هم‌خوانی بیشتری با هدف شناسایی مقوله‌های بنیادین معماری روایتگر دارد.

• روایتگری در معماری

روایتگری در معماری به معنای استفاده از عناصر فضایی، فرم، ماده و بافت برای انتقال داستان‌ها، خاطرات یا مفاهیم است. برخلاف رویکردهای مدرنیستی که بر عملکردگرایی و فرم‌های انتزاعی تمرکز داشتند، معماری روایتگر به دنبال خلق تجربه‌ای چندحسی و معنادار برای کاربران است. فضاهای روایتگر از طریق سازماندهی مسیرها، توالی فضاها و نشانه‌های بصری، داستان‌هایی را منتقل می‌کنند که کاربران در حین حرکت در فضا تجربه می‌کنند (Psarra, 2009). از منظر پدیدارشناسی، روایتگری در معماری به خلق فضاهایی وابسته است که امکان تأمل و خودآگاهی را فراهم کنند. پالاسما (Pallasmaa, 2024) بر اهمیت حواس و نقش آن‌ها در تجربه معماری تأکید می‌کند و بر این باور است که معماری باید از سلطه بینایی‌رها شود. هرچند این دیدگاه برای نقد رویکردهای فرمالیستی بسیار ارزشمند است اما در چهارچوب هایدر می‌توان نشان داد

و ادراکی سوق می‌دهد. در این راستا، پدیدارشناسی هایدر، با تمرکز بر مفهوم «بودن» و رابطه انسان با جهان، چهارچوبی عمیق برای فهم روایتگری در معماری ارائه می‌دهد (Heidegger, 1967). هایدر معتقد است انسان از طریق تجربه زیسته و تعامل با محیط، معنا را کشف می‌کند؛ بنابراین، معماری روایتگر می‌تواند با بازتاب این تجربه، به خلق فضاهایی کمک کند که نه تنها کارکردی بلکه معنابخش و هویت‌ساز باشند.

اهمیت روایتگری در معماری معاصر از آن جهت است که این رویکرد می‌تواند به بازتعریف نقش معمار به عنوان یک روایتگر منجر شود. معمار در این نگاه، با استفاده از عناصر فضایی، ماده، نور و بافت، داستان‌هایی را خلق می‌کند که با مخاطب گفت‌وگو می‌کنند (Zumthor, 1988). این داستان‌ها می‌توانند ریشه در تاریخ، فرهنگ یا تجربه‌های فردی داشته باشند و از این طریق، حس تعلق و هویت را در کاربران فضا تقویت کنند. با این حال، فقدان چهارچوبی منسجم برای شناسایی ویژگی‌های معماری روایتگر، ضرورت پژوهش در این حوزه را آشکار می‌سازد. پرسش اصلی این پژوهش این است که «معماری روایتگر شامل چه ساخت و ویژگی‌هایی است؟» برای پاسخ به این پرسش، روش فراترکیب به کار گرفته شده است. این روش، با تحلیل و ترکیب نظام‌مند مطالعات پیشین، امکان استخراج مقوله‌های بنیادین و ارائه دیدگاهی جامع را فراهم می‌آورد (Sandelowski & Barroso, 2007). فراترکیب، با توجه به ماهیت کیفی و چندوجهی موضوع، به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا از تنوع دیدگاه‌ها بهره‌برده و چهارچوبی مفهومی برای معماری روایتگر ارائه دهد.

هدف این پژوهش، تبیین مقوله‌های بنیادین معماری روایتگر با تأکید بر پدیدارشناسی هایدر و پیوند آن‌ها با تجربه زیسته انسان است. با بهره‌گیری از مفاهیم هایدری، نظیر «جهان‌مندی» و «دازاین»، این پژوهش در پی آن است نشان دهد چگونه معماری می‌تواند به عنوان بستری برای تجلی معنا و تقویت تجربه زیسته عمل کند. در نهایت، این مطالعه تلاش دارد تا با ارائه چهارچوبی نظری، به درک عمیق‌تر از نقش روایتگری در معماری معاصر کمک کند و راه را برای طراحی فضاهایی هموار سازد که نه تنها پاسخگوی نیازهای فیزیکی بلکه بازتاب‌دهنده ابعاد عاطفی و وجودی انسان باشند.

مبانی نظری

روایتگری در معماری به عنوان رویکردی نوظهور، فراتر از کارکردهای صرفاً فیزیکی و زیبایی‌شناختی، به خلق معنا و تجربه زیسته در فضا می‌پردازد. این مفهوم که ریشه در فلسفه، ادبیات و علوم انسانی دارد، در معماری معاصر به عنوان ابزاری برای ارتباط عمیق تر انسان با محیط ساخته شده مدنظر بوده است. در این راستا، پدیدارشناسی هایدر به عنوان چهارچوبی نظری، امکان فهم عمیق‌تری از رابطه انسان و مکان از طریق مفاهیمی چون «هستی»، «جهان‌مندی» و «مراقبت» فراهم می‌کند.

یهود برلین (لیبسکیند) نشان می‌دهد روایتگری معماری می‌تواند روایت «گسست و فقدان» را نیز آشکار کند. در مقابل، معماری معاصر ایران (مانند برج آزادی یا پل طبیعت) بیشتر روایت «تداوم و هویت فرهنگی» را برجسته می‌سازد. این مقایسه آشکار می‌کند که روایتگری معماری تنها محدود به بازنمایی گذشته نیست بلکه می‌تواند بیانگر تجربه‌های متفاوتی از تداوم یا گسست تاریخی باشد.

روش تحقیق

این پژوهش با هدف تبیین مقوله‌های بنیادین روایتگری در معماری معاصر و شناسایی ساختارها و ویژگی‌های آن از منظر پدیدارشناسی هایدگری، از روش فراترکیب استفاده می‌کند. فراترکیب، رویکردی کیفی است که با تلفیق نظام‌مند یافته‌های مطالعات پیشین، امکان تفسیر عمیق و خلق دانش جدید را فراهم می‌کند (Sandelowski & Barroso, 2007). این روش برای پاسخ به پرسش پژوهش، یعنی معماری روایتگر شامل چه ساخت و ویژگی‌هایی است؟ مناسب است، زیرا مفاهیم پراکنده در ادبیات موجود را به صورت یکپارچه تحلیل می‌کند.

فرایند فراترکیب بر اساس مدل پیشنهادی ساندلوسکی و باروسو (ibid.) اجرا می‌شود که شامل مراحل است از جمله: (۱) تعریف پرسش پژوهش و معیارهای ورود، (۲) جست‌وجوی جامع در منابع علمی، (۳) ارزیابی کیفیت مطالعات، (۴) استخراج و کدگذاری داده‌ها، (۵) تحلیل و تلفیق یافته‌ها و (۶) ارائه تفسیر جامع.

ابتدا، با استفاده از پایگاه‌های داده مانند Scopus، Web of Science و Google Scholar، مقالاتی با کلیدواژه‌های «روایتگری در معماری»، «پدیدارشناسی هایدگری» و «تجربه زیسته» جست‌وجو می‌شوند. معیارهای ورود شامل مطالعات کیفی یا نظری مرتبط با معماری روایتگر و چهارچوب پدیدارشناختی است.

داده‌های استخراج‌شده از مطالعات منتخب با استفاده از تحلیل مضمون (Braun & Clarke, 2006) کدگذاری و دسته‌بندی می‌شوند تا مضامین کلیدی مانند سازماندهی فضایی، نشانه‌شناسی و تجربه زیسته شناسایی شوند. سپس، یافته‌ها در چهارچوب پدیدارشناسی هایدگری تلفیق شده و تفسیری جامع از ویژگی‌های معماری روایتگر ارائه می‌شود. این روش، با تأکید بر عمق و جامعیت، به درک دقیق‌تری از نقش روایتگری در غنی‌سازی تجربه زیسته انسان در معماری معاصر کمک می‌کند.

انتخاب روش فراترکیب در این پژوهش با هدف گردآوری و ترکیب نظام‌مند یافته‌های مطالعات پیشین انجام شد تا چهارچوبی مفهومی برای معماری روایتگر از منظر پدیدارشناسی هایدگری تدوین شود. هرچند رویکرد پدیدارشناسی معمولاً بر داده‌های میدانی و مواجهه مستقیم با تجربه زیسته تأکید دارد، در این مرحله، فراترکیب به‌عنوان گام مقدماتی، امکان شناسایی مقوله‌های بنیادین و ایجاد بستری نظری برای تحلیل‌های میدانی آتی را فراهم کرده است (Sandelowski & Barroso, 2007). برای تقویت ارتباط روش

تجربه حسی صرف، اگر در پیوند با سکنی‌گزیدن و پیوستگی با جهان قرار نگیرد، کافی نیست. در این جا روایتگری معماری به‌مثابه فرایندی درک می‌شود که هم‌زمان لایه‌های ادراکی، تاریخی و هستی‌شناختی را در بر می‌گیرد. به بیان دیگر، پالاسما (ibid.) راه را برای توجه به تجربه حسی هموار می‌کند اما هایدگر امکان ارتقای این تجربه به سطح معنا و هستی را فراهم می‌آورد.

در معماری معاصر ایران نیز می‌توان شواهدی از روایتگری فضایی یافت؛ برای نمونه، در موزه هنرهای معاصر تهران اثر کامران دیبا، ترکیب توالی فضایی، نورپردازی هدفمند و استفاده از هندسه ساده اما معنادار، بستری برای روایت تجربه زیسته فرهنگی و هنری جامعه معاصر فراهم می‌آورد. حرکت از ورودی به فضاهای نمایش، از گالری‌های پیوسته به حیاط مرکزی و از مسیرهای زیرزمینی به نورگیرهای سقفی، نه تنها تجربه‌ای فضایی را شکل می‌دهد بلکه روایتی پنهان از گذار جامعه ایرانی از سنت به مدرنیته و نقش هنر در این فرایند را بازتاب می‌دهد. این الگوهای فضایی، در چهارچوب پدیدارشناسی هایدگری، می‌توانند به‌عنوان نمودهایی از سکنی‌گزیدن و «بودن در جهان» در متن فرهنگی - تاریخی معاصر ایران تحلیل شوند.

• ویژگی‌های معماری روایتگر

مطالعات مختلف ویژگی‌های معماری روایتگر را از جنبه‌های گوناگون بررسی کرده‌اند. به‌طور کلی، این نوع معماری شامل سه مؤلفه اصلی است: ساختار فضایی، نشانه‌شناسی و تجربه زیسته. ساختار فضایی به سازماندهی فضاها و توالی آن‌ها اشاره دارد و امکان حرکت و کشف تدریجی معنا را فراهم می‌کند (Tschumi, 1996). نشانه‌شناسی در معماری روایتگر به بهره‌گیری از نمادها، نشانه‌ها و ارجاعات فرهنگی برای انتقال پیام‌های خاص وابسته است (Eco, 1986). تجربه زیسته نیز چگونگی درک و احساس کاربران هنگام مواجهه با فضا را نشان می‌دهد و از منظر پدیدارشناسی مهم است (Seamon, 2018).

برنارد چومی (Tschumi, 1996) معتقد است معماری روایتگر از طریق «رویدادها» شکل می‌گیرد. تحلیل پروژه‌های او، مانند پارک دولویل در پاریس، نشان می‌دهد ترکیب مسیرهای حرکتی و نقاط توقف، کاربران را به مشارکت فعال در کشف معنا دعوت می‌کند. در مقابل، اومبرتو اکو (Eco, 1986) با تمرکز بر نشانه‌ها و کدهای فرهنگی، نشان داد معماری می‌تواند به‌عنوان رسانه‌ای برای خلق روایت‌های فضایی عمل کند و تجربه کاربر را غنی‌تر کند. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهند معماری روایتگر از نظر فرم و ساختار و همچنین معنا و تجربه زیسته، نیازمند هم‌آهنگی میان عناصر فضایی و فرهنگی است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های کوان (Kwon, 2007) و رایان (Ryan, 2015) روایتگری معماری را عمدتاً در ارتباط با حافظه و داستان‌پردازی شهری تحلیل کرده‌اند. این رویکردها نشان می‌دهند فضا می‌تواند حامل تاریخ و هویت جمعی باشد. در عین حال، بررسی نمونه‌هایی مانند موزه

جدول ۱. کلیدواژه‌های انتخاب‌شده برای جست‌وجو در متون علمی. مأخذ: نگارندگان.

کلیدواژه‌ها	کلمات کلیدی اصلی
Contemporary Architecture	معماری معاصر
Modern Architecture	
Postmodern Architecture	
Digital Architecture	
Sustainable Architecture	
Experiential Architecture	
Characteristics	ویژگی‌های کلیدی
Feature	
Element	
Principle	
Aspect	
Design Factor	معماری روایتگر
Narrative Architecture	
Spatial Architecture	

این مقوله‌ها با مفاهیم هایدگری مانند «هستی در جهان» و مراقبت تحلیل شدند و نشان دادند معماری روایتگر تجربه زیسته را غنی می‌کند.

در نمونه‌های شاخص از معماری معاصر ایران، نظیر برج آزادی تهران اثر حسین امانت، معماری روایتگر در قالب ساختاری نمادین و هندسه‌ای تلفیقی از سنت و مدرنیته است. این بنا، با ترکیب ایوان‌ها، قوس‌ها و مصالح سنگی، نه تنها به عنوان یک یادمان شهری عمل می‌کند بلکه روایتگر هویت ملی و گذار تاریخی ایران در دهه‌های معاصر است. افزون بر آن، پل طبیعت تهران اثر لیلا عراقیان و علیرضا بهزادی، با استفاده از مسیرهای حرکتی متنوع، فضاهای جمعی و پیوند دو پارک شهری، بستری برای تجربه زیسته و خلق حافظه جمعی فراهم کرده است. در چهارچوب پدیدارشناسی هایدگری، این روایت‌های فضایی را می‌توان به عنوان تجلی مراقبت نسبت به محیط و جامعه دانست که هویت فردی و جمعی را در بستر مکان معاصر بازتاب می‌دهند.

این پژوهش با شناسایی ۱۰ مقوله بنیادین معماری روایتگر، شامل هویت و معنا، روایت تاریخی و میراث، تجربه حسی و ادراکی، تعامل کاربر با فضا و زمینه، ساختار و فرم روایتگر، بیان سمبلیک، روایت‌های موضوعی و زمینه‌ای، تلفیق و پیوند در طراحی، تعامل با زمینه و جامعه و کیفیت زندگی و هویت معمار، به تبیین ویژگی‌های این رویکرد از منظر پدیدارشناسی هایدگری پرداخت. این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین هم‌راستایی و تفاوت‌هایی دارد. کوتس (Coates, 2012) در مطالعه خود بر نقش موزه‌ها در انتقال روایت‌های تاریخی تأکید کرد که با مقوله روایت تاریخی و میراث هم‌خوانی دارد.

با هدف پژوهش، پس از استخراج ۱۰ مقوله اصلی، این چهارچوب مفهومی به صورت تطبیقی با نمونه‌های معماری شاخص ایرانی بررسی شد تا قابلیت کاربرد چهارچوب در تحلیل تجربه‌های واقعی سنجیده شود.

بحث

این پژوهش با هدف شناسایی ویژگی‌های معماری روایتگر از منظر پدیدارشناسی هایدگری، با استفاده از روش فراترکیب و براساس تحلیل ۵۷ پژوهش منتشرشده بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ انجام شد. فرایند پژوهش براساس الگوی هفت‌مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو (ibid.) طراحی شد.

• گام اول: فرمول‌بندی مسئله

سؤال پژوهش، معماری روایتگر شامل چه ساخت و ویژگی‌هایی است؟ تعریف شد تا ویژگی‌های این رویکرد بررسی شود (ibid.).

• گام دوم: جست‌وجوی متون علمی

جست‌وجو در پایگاه‌های Scopus، Web of Science و Google Scholar با کلیدواژه‌های مرتبط انجام شد. مقالات منتشرشده بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ با معیارهای مشخص انتخاب شدند. لیست کلیدواژه‌ها در جدول ۱ نمایش داده شده است.

• گام سوم: انتخاب مطالعات مرتبط

۵۷ پژوهش و کتاب علمی - پژوهشی با معیارهایی چون ارتباط با روایتگری معماری، ضریب تأثیر بالا و کیفیت مناسب (ارزیابی شده با چک‌لیست CASP) غربالگری شدند.

• گام چهارم: استخراج و کدگذاری داده‌ها

از پژوهش‌ها، ۲۸۵ گزاره استخراج شد که پس از کدگذاری اولیه، به ۷۰ کد تقلیل یافتند و براساس شباهت‌ها دسته‌بندی شدند.

• گام پنجم: تحلیل و ترکیب یافته‌ها

کدها تحلیل و با ترکیب الگوهای مشترک، به شناسایی ویژگی‌های معماری روایتگر منجر شدند. نتایج مطابق با جدول ۲ به عنوان مبنای تحلیل‌های بعدی استفاده شد. پس از شناسایی ۷۰ کد اولیه، این کدها براساس مفاهیم مشترک به ۱۰ مقوله نهایی مطابق با جدول ۳ دسته‌بندی شدند.

• گام ششم: توسعه چهارچوب مفهومی

برای ارزیابی روایی محتوایی، مصاحبه‌هایی با پنج خبره در جلسات گروه کانونی انجام شد که کدها را تأیید کردند. پایایی پژوهش با ضریب کاپای ۰/۶۸۴/ ارزیابی شد که نشان‌دهنده توافق مطلوب است (Sandelowski & Barroso, 2007).

• گام هفتم: ارائه و تفسیر نتایج

در این گام، ۷۰ کد به ۱۰ مقوله تقسیم شدند: (۱) هویت و معنا، (۲) روایت تاریخی و میراث، (۳) تجربه حسی و ادراکی، (۴) تعامل کاربر با فضا و زمینه، (۵) ساختار و فرم روایتگر، (۶) بیان سمبلیک، (۷) روایت‌های موضوعی و زمینه‌ای، (۸) تلفیق و پیوند در طراحی، (۹) تعامل با زمینه و جامعه و (۱۰) کیفیت زندگی و هویت معمار.

جدول ۲. کدهای استخراج شده از گزاره‌ها. مأخذ: نگارندگان.

کدها	منبع
ارتقای کیفیت زندگی	Keeping & Shiers, 2017
ساختار و سازمان دهی فضایی	Pisani, 2018; Roslan & Anuar, 2021; Norouzi & Khademi, 2021; Pérez-Moreno, 2017; Lus Arana, 2013; Chupin et al., 2021; Baharuddin et al., 2022
بازتاب و بازنمایی معنا و هویت	Hvattum, 2018; Emmons et al., 2019; Acilu & Labarta, 2020; Casale & Garda, 2025; Putz, 2019; Scarrocchia, 2012; Baharuddinet al., 2022; Grigas, 2023; Baydar, 2002; De la Vega de León, 2022; Serrano & Moreno, 2012; Devos, 2016
بازاندیشی و بازسازی گذشته در روایت	Lotfi & Sholeh, 2024; Sánchez, 2021; Pérez-Moreno, 2017; Grigas, 2023
بیان تخیلی، سمبلیک و ساختارپردازی	Giannetti, 2021; Emmons et al., 2019; Scarrocchia, 2012; Devos, 2016; Aroni, 2022; Hvejsel & Kirkegaard, 2013
بیان حسی و عاطفی	Casale & Garda, 2025; Pisani, 2018; Jia, 2024
بیان فرهنگی و تاریخی	De la Vega de León, 2022; Acilu & Labarta, 2020; Patteeuw & Szacka, 2018
بیان وجودی و فلسفی	Castillo, 2017; Mavromatidis, 2025
پیوند تاریخ و تجربه	Pisani, 2018
پیوند هنر و فضا	Lus Arana, 2013
تأثیرات زمینه‌ای و تاریخی	Rodrigues, 2022; Giannetti, 2021; Hvattum, 2018; Somogyi et al., 2024; Scarrocchia, 2012
تأثیر فلسفی بر روایت	Castillo, 2017
تجربه بصری و زیبایی شناسی	Giannetti, 2021; Hvejsel & Kirkegaard, 2013; Acilu & Labarta, 2020; Lus Arana, 2013; Bauer & Santos, 2021
تجربه حسی کاربر	Giannetti, 2021; Scarrocchia, 2012; Abdelmonem, 2016; Hamza, 2011; Loakaewnoo, 2024; Fernández-Morales et al., 2016; Emmons et al., 2019; Grasser-Parger, 2024; Lotfi & Sholeh, 2024; Barranha et al., 2017; Baharuddinet al., 2022; Islambegović et al., 2023; Serrano & Moreno, 2012
تجربه زیسته کاربر	Casale & Garda, 2025
تجربه کاربر از بازی	Jeon & Park, 2015; Aroni, 2022
تجربه کاربر از زمینه فرهنگی	Sánchez, 2021
تجربه کاربر از فضا	Rodrigues, 2022; Casale & Garda, 2025; Bernhardsson, 2008; Pereira, 2020; Baydar, 2002; Choudhury & Roy, 2015; Keeping & Shiers, 2017; Somogyi et al., 2024; Ho, 2022
تجربه کاربر از فیلم	Trindade, 2021
تجربه کاربر از مرزها	Baydar, 2002
تجربه کاربر از معنا و میراث	Castillo, 2017; Grigas, 2023; De la Vega de León, 2022; Roslan & Anuar, 2021; Mavromatidis, 2025; Pérez-Moreno, 2017; De Carvalho et al., 2021; Alves, 2014
تجربه کاربر در فضاهای تعاملی	Jeon & Park, 2015
تجربه کاربر در فضاهای نمایشگاهی	Patteeuw & Szacka, 2018
تجربه کاربر در یادگیری	Chupin et al., 2021; Burton & Salama, 2023
تداوم معنا در طراحی	Hvattum, 2018
تعادل محلی و جهانی	Adeyemo & Amole, 2024; El-Ashmouni & Salama, 2020; Zein, 2021; Bauer & Santos, 2021
تعامل با زمینه فرهنگی	Patteeuw & Szacka, 2018; Fernández-Morales et al., 2016
تعامل با زمینه مکانی	Scarrocchia, 2012
تعامل حس و محیط	Choudhury & Roy, 2015
تعامل فرهنگی با ساختار	Devos, 2016
تعامل کاربر با موزه	Pisani, 2018
تلفیق حس و عقل	Islambegović et al., 2023
تلفیق سازه و معنا	Giannetti, 2021

کدها	منبع
تلفیق سنت و معاصر	Sánchez, 2021; Rodrigues, 2022; Bernhardsson, 2008; Adeyemo & Amole, 2024
تلفیق هنر و معماری	Jeon & Park, 2015
حفظ ارزش‌های تاریخی	De Carvalho et al., 2021
حفظ معانی بومی	Sánchez, 2021
خلق فضا با جامعه	Grasser-Parger, 2024
روایت انتقادی و هتروتوپیک	Abdelmonem, 2016; Grigas, 2023; De la Vega de León, 2022; Ho, 2022
روایت آموزشی	Chupin et al., 2021; Somogyi et al., 2024; Burton & Salama, 2023
روایت بازسازی و آینده	Ho, 2022; Barranha et al., 2017; Putz, 2019; Burton & Salama, 2023
روایت پایداری	Hamza, 2011; Singh et al., 2024; Choudhury & Roy, 2015; Keeping & Shiers, 2017; Van de Riet et al., 2017; Burton & Salama, 2023
روایت تاریخی	Sánchez, 2021; Giannetti, 2021; Pisani, 2018; Pérez-Moreno, 2017
روایت زیستی و طبیعت	Hamza, 2011; Singh et al., 2024; Van de Riet et al., 2017; Rahubadda & Kulatunga, 2024; Norouzi & Khademi, 2021
روایت سبکی	Hvattum, 2018; Emmons et al., 2019
روایت سینمایی و بصری	Baharuddinet al., 2022; Trindade, 2021; Alves, 2014; Acilu & Labarta, 2020; Serrano & Moreno, 2012
روایت شهری و سرمایه‌داری	Abdelmonem, 2016; Pereira, 2020; Putz, 2019
روایت عاطفی	Jia, 2024
روایت علمی	Mavromatidis, 2025
روایت فرهنگی و جغرافیایی	Hvattum, 2018; Pereira, 2020; Adeyemo & Amole, 2024; El-Ashmouni & Salama, 2020; De Carvalho et al., 2021; Alves, 2014; Islambegović et al., 2023; Norouzi & Khademi, 2021
روایت مدرنیته	Rodrigues, 2022; Bernhardsson, 2008; Adeyemo & Amole, 2024; El-Ashmouni & Salama, 2020; Zein, 2021; Bauer & Santos, 2021
روایت میراث	Loakaewnoo, 2024; Barranha et al., 2017
روایت و هویت معمار	Casale & Garda, 2025; Lotfi & Sholeh, 2024
روایتگری بازی گونه	Jeon & Park, 2015
روایتگری پست‌مدرن	Patteeuw & Szacka, 2018
روایت‌های معنایی و سمبلیک	Devos, 2016; Lus Arana, 2013; Roslan & Anuar, 2021; Baydar, 2002; Fernández-Morales et al., 2016
ساختار فضایی روایتگر	Casale & Garda, 2025; Hvejsel & Kirkegaard, 2013; Pereira, 2020; Mavromatidis, 2025; Baydar, 2002; Emmons et al., 2019; Somogyi et al., 2024; Ho, 2022; Shen & Yu, 2024
ساختار فضایی مسئولانه	Hamza, 2011; Keeping & Shiers, 2017
ساختارپردازی و ماده‌گرایی	Hvejsel & Kirkegaard, 2013
ساختارهای بومی و کار دستی	Singh et al., 2024; Choudhury & Roy, 2015; Van de Riet et al., 2017; Rahubadda & Kulatunga, 2024; Ortiz, 2018; Zein, 2021
ساختارهای تعاملی	Grasser-Parger, 2024; Aroni, 2022
ساختارهای چندلایه و چندمنظوره	Loakaewnoo, 2024; Baydar, 2002; De Carvalho et al., 2021; Barranha et al., 2017; Alves, 2014
ساختارهای روایی پویا	Jeon & Park, 2015
سادگی و اصالت	Scarrocchia, 2012
مشارکت کاربر در روایت	Grasser-Parger, 2024
معناگرایی اجتماعی	Sánchez, 2021
نوسازی گذشته	Bernhardsson, 2008

منبع	کدها
Patteeuw & Szacka, 2018	هویت فرهنگی در نمایشگاهها
Sánchez, 2021; Rodrigues, 2022; Hvattum, 2018; Bernhardsson, 2008; Costa, 2021; Chupin et al., 2021; Abdelmonem, 2016; Pereira, 2020; Castillo, 2017; Grigas, 2023; Loakaewnoo, 2024; De la Vega de León, 2022; Hamza, 2011; Adeyemo & Amole, 2024; Roslan & Anuar, 2021; Fernández-Morales et al., 2016; Singh et al., 2024; Baydar, 2002; Grasser-Parger, 2024; Lotfi & Sholeh, 2024; Choudhury & Roy, 2015; Keeping & Shiers, 2017; Jia, 2024; Somogyi et al., 2024; El-Ashmouni & Salama, 2020; Pérez-Moreno, 2017; De Carvalho et al., 2021; Baharuddinet al., 2022; Ho, 2022; Trindade, 2021; Van de Riet et al., 2017; Barranha et al., 2017; Putz, 2019; Rahubadda & Kulatunga, 2024; Alves, 2014; Islambegović et al., 2023; Acilu & Labarta, 2020; Burton & Salama, 2023; Ortiz, 2018; Serrano & Moreno, 2012; Norouzi & Khademi, 2021; Lus Arana, 2013; Zein, 2021; Pisani, 2018	هویت مکانی منطقه‌ای
Devos, 2016	هویت ملی در طراحی

با فضا و زمینه» به مفهوم مراقبت متصل هستند، زیرا این مقوله‌ها بر رابطه پویای انسان با محیط و تقویت حس تعلق تأکید دارند. نمودار **تصویر ۱** نه تنها به درک انسجام درونی چهار چوب مفهومی کمک می‌کند بلکه به عنوان ابزاری تحلیلی برای معماران و پژوهشگران عمل می‌کند تا بتوانند روایتگری فضایی را در پروژه‌های واقعی تحلیل و ارزیابی کنند. برای نمونه، در تحلیل پل طبیعت تهران، مقوله‌های تعامل با زمینه و جامعه و تجربه حسی و ادراکی از طریق مسیرهای حرکتی و پیوند دو پارک شهری با مفاهیم مراقبت و سکنی گزیدن تطبیق می‌یابند. این نمودار (**تصویر ۱**) در نهایت نشان می‌دهد معماری روایتگر، از طریق پیوند با مفاهیم وجودی هایدگر، بستری برای غنی‌سازی تجربه زیسته انسان فراهم می‌سازد.

تحلیل موردی نمونه‌های معماری ایرانی

برای ارزیابی کارآمدی چهار چوب مفهومی پیشنهادی مبتنی بر فلسفه هایدگر، هشت نمونه شاخص از معماری معاصر ایران انتخاب شدند: برج آزادی، تئاتر شهر، شهرک شوشتر نو، ورزشگاه آزادی، موزه هنرهای معاصر تهران، برج میلاد، پل طبیعت و مسجد ولیعصر. این نمونه‌ها بر اساس سه معیار اصلی انتخاب شدند:

(۱) تنوع کارکردی: این بناها طیف گسترده‌ای از کارکردها را پوشش می‌دهند، از جمله یادمانی (برج آزادی)، فرهنگی (تئاتر شهر و موزه هنرهای معاصر)، مسکونی-اجتماعی (شهرک شوشتر نو)، ورزشی (ورزشگاه آزادی)، زیرساختی (پل طبیعت)، ارتباطی-گردشگری (برج میلاد) و مذهبی (مسجد ولیعصر). این تنوع امکان بررسی جامع مقوله‌های روایتگری در کارکردهای مختلف معماری را فراهم می‌کند.

(۲) ارزش فرهنگی و اجتماعی: هر یک از این بناها به دلیل تأثیر فرهنگی، اجتماعی یا نمادین خود در بستر تاریخ معاصر ایران انتخاب شدند. برای مثال، برج آزادی به عنوان نماد ملی و گذار تاریخی ایران و پل طبیعت به عنوان بستری برای تعاملات اجتماعی و فراغتی، مهم هستند.

(۳) ظرفیت روایتگری فضایی: این نمونه‌ها به دلیل ویژگی‌های فضایی، فرمی و نشانه‌شناختی خود، قابلیت بازنمایی مقوله‌های شناسایی شده (مانند هویت و معنا، تجربه حسی و تعامل با زمینه) را

همچنین، با **الاسما (Pallasmaa, 2024)** با تمرکز بر تجربه چندحسی، به اهمیت حواس در درک فضا اشاره کرد که با مقوله تجربه حسی و ادراکی این پژوهش هم‌سو است.

با این حال، این پژوهش با افزودن مقوله‌هایی چون کیفیت زندگی و هویت معمار و تلفیق و پیوند در طراحی، ابعادی نوین به بحث روایتگری می‌افزاید که در مطالعات پیشین کمتر به آن توجه شده است. برای مثال، سیامون (**Seamon, 2018**) بر مکان‌سازی و تعامل با زمینه تمرکز داشت اما به نقش هویت فردی معمار کمتر پرداخت. همچنین، تأکید این پژوهش بر چهار چوب پدیدارشناختی هایدگری، برخلاف رویکردهای نشانه‌شناختی اکو (**Eco, 1986**)، خوانشی وجودی و عمیق‌تر از روایتگری ارائه می‌دهد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده جامعیت بیشتر این یافته‌ها در پوشش ابعاد اجتماعی، فرهنگی و وجودی معماری روایتگر است. در مجموع، نتایج این پژوهش با تأیید یافته‌های پیشین، چهار چوبی منسجم‌تر و چندبعدی برای فهم معماری روایتگر ارائه می‌کند.

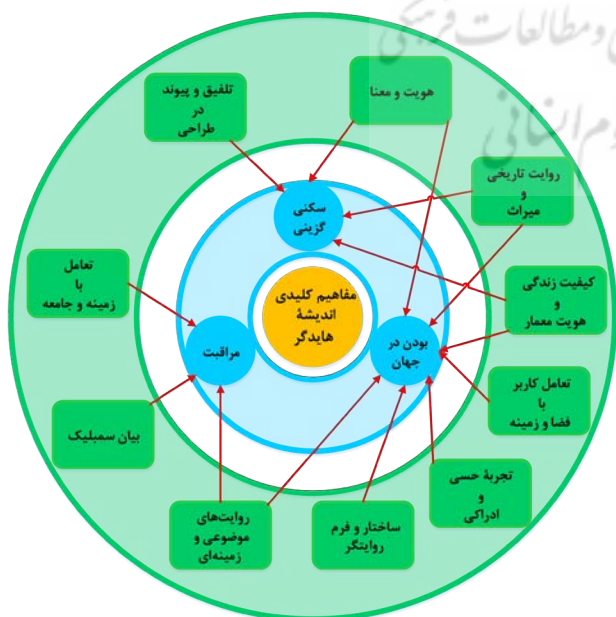
به منظور تجسم ارتباط میان مقوله‌های شناسایی شده و مفاهیم بنیادین پدیدارشناسی هایدگری، **تصویر ۱** به صورت یک چهار چوب مفهومی ترسیم شده است و ۱۰ مقوله نهایی معماری روایتگر در پیرامون مفاهیم کلیدی اندیشه هایدگر (نظیر بودن در جهان، مراقبت و سکنی‌گزینی) قرار گرفته‌اند. این مفاهیم به عنوان هسته‌های هستی‌شناختی، پیوندی مفهومی و فلسفی میان مقوله‌ها برقرار می‌کنند و نشان می‌دهند چگونه هر یک از مقولات، در نسبت با تجربه زیسته و حضور معنادار انسان در فضا معنا می‌یابند و درک جامع‌تری از ساختار درونی معماری روایتگر و انسجام مفهومی آن فراهم می‌سازد.

ساختار نمودار (**تصویر ۱**) به گونه‌ای طراحی شده که نشان‌دهنده پیوندهای مفهومی میان مقوله‌ها و فلسفه هایدگر باشد. برای مثال، مقوله هویت و معنا با مفهوم بودن در جهان مرتبط است، زیرا فضاهای روایتگر از طریق بازنمایی هویت‌های فردی و جمعی، حضور معنادار انسان در جهان را تقویت می‌کنند. به طور مشابه، مقوله روایت تاریخی و میراث با مفهوم «زمان‌مندی» پیوند دارد و نشان‌دهنده تداوم تاریخی در تجربه زیسته است. مقوله‌های تجربه حسی و ادراکی و «تعامل کاربر

جدول ۳. مقوله‌های شناسایی شده. مأخذ: نگارندگان.

ادامه جدول ۳.

مقوله	کدها	مقوله	کدها
هویت و معنا در معماری روایتگر	IM	روایت‌های موضوعی و زمینه‌ای	TN
روایت تاریخی و میراث	HN	تلفیق و پیوند در طراحی	LD
تجربه حسی و ادراکی کاربر	UE	تعامل با زمینه و جامعه	IC
تعامل کاربر با فضا و زمینه	UI	کیفیت زندگی و هویت معمار	QL
ساختار و فرم روایتگر	NS		
بیان سمبلیک و روایتگری معنایی	SE		
هویت مکانی منطقه‌ای	IM1	روایت آموزشی	TN1
هویت فرهنگی در نمایشگاه‌ها	IM2	روایت بازسازی و آینده	TN2
هویت ملی در طراحی	IM3	روایت پایداری	TN3
بازتاب و بازنمایی معنا و هویت	IM4	روایت زیستی و طبیعت	TN4
معناگرایی اجتماعی	IM5	روایت سبکی	TN5
تداوم معنا در طراحی	IM6	روایت شهری و سرمایه‌داری	TN6
حفظ معانی بومی	IM7	روایت مدرنیته	TN7
روایت تاریخی	HN1	تلفیق سنت و معاصر	LD1
روایت میراث	HN2	تلفیق هنر و معماری	LD2
حفظ ارزش‌های تاریخی	HN3	پیوند هنر و فضا، تلفیق سازه و معنا	LD3
پیوند تاریخ و تجربه	HN4	تعادل محلی و جهانی	LD4
بازاندیشی و بازسازی گذشته در روایت	HN5	ساختارهای بومی و کاردستی	LD5
نوسازی گذشته	HN6	سادگی و اصالت	LD6
تأثیرات زمینه‌ای و تاریخی	HN7		
تجربه حسی کاربر	UE1	تعامل با زمینه فرهنگی	IM1
تجربه بصری و زیبایی‌شناسی	UE2	تعامل با زمینه مکانی	IM2
تجربه کاربر از فضا	UE3	تعامل فرهنگی با ساختار	IM3
تعامل حس و محیط	UE4	خلق فضا با جامعه	IM4
بیان حسی و عاطفی	UE5	مشارکت کاربر در روایت	IM5
تلفیق حس و عقل	UE6	روایت فرهنگی و جغرافیایی	IM6
تجربه زیسته کاربر	UE7	تأثیر فلسفی بر روایت	IM7
تجربه کاربر از معنا و میراث	UE8		
تجربه کاربر از زمینه فرهنگی	UI1	ارتقای کیفیت زندگی	QL1
تجربه کاربر از بازی	UI2	روایت و هویت معمار	QL2
تجربه کاربر از فیلم	UI3	بیان فرهنگی و تاریخی	QL3
تجربه کاربر از مرزها	UI4	روایت علمی	QL4
تجربه کاربر در فضاهای تعاملی	UI5	ساختار فضایی مسئولانه	QL5
تجربه کاربر در فضاهای نمایشگاهی	UI6	تجربه کاربر از فضا	QL6
تجربه کاربر در یادگیری	UI7	حفظ ارزش‌های تاریخی	QL7
تعامل کاربر با موزه	UI8		
ساختار و سازمان‌دهی فضایی	NS1		
ساختار فضایی روایتگر	NS2		
ساختار فضایی مسئولانه	NS3		
ساختارهای تعاملی	NS4		
ساختارهای چندلایه و چندمنظوره	NS5		
ساختارهای روایی پویا	NS6		
ساختارپردازی و ماده‌گرایی	NS7		
بیان تخیلی	SE1		
سمبلیک و ساختارپردازی	SE2		
روایت‌های معنایی و سمبلیک	SE3		
روایتگری بازی‌گونه	SE4		
روایت سینمایی و بصری	SE5		
بیان وجودی و فلسفی	SE6		
روایت عاطفی	SE7		
روایت انتقادی و هتروتوپیک	SE8		
روایتگری پست‌مدرن	SE9		



تصویر ۱. چهارچوب مفهومی معماری روایتگر بر پایه مقوله‌های استخراج شده و مفاهیم هایدگری. مأخذ: نگارندگان.

دارند. به عنوان مثال، توالی فضایی و نورپردازی در موزه هنرهای معاصر تهران یا مسیرهای حرکتی پویا در پل طبیعت، امکان تحلیل روایتگری را از منظر پدیدارشناسی هایدگری فراهم می‌کنند. این معیارها تضمین می‌کنند که نمونه‌های انتخاب شده نه تنها نماینده معماری معاصر ایران باشند بلکه بتوانند چهارچوب مفهومی پیشنهادی را در بسترهای واقعی و ملموس آزمود. تحلیل نمونه‌های انتخاب شده نشان داد مقوله‌های مفهومی شناسایی شده (جدول ۴) نه تنها در سطح نظری بلکه در تجربه‌های ملموس فضایی نیز قابل ردیابی هستند و می‌توانند به عنوان ابزاری مؤثر برای خوانش روایت در معماری به کار روند.

تحلیل تطبیقی (جدول ۴) نشان می‌دهد مقوله‌های مفهومی چهارچوب پیشنهادی در هشت بنای معاصر ایران به صورت متمایز اما مکمل حضور دارند. این تحلیل تأیید می‌کند مفاهیم هایدگری مانند «سکونت»، «مکان مندی»، «گشودگی به جهان» و «در جهان بودن» نه تنها در سطح نظری بلکه در تجربه‌های حسی، فضایی و معنایی این بناها نیز شناسایی و تفسیر می‌شوند. از این رو، چهارچوب مفهومی پیشنهادی می‌تواند از یک مدل انتزاعی به ابزاری عملی برای تحلیل و خوانش روایت در معماری معاصر ارتقا یابد.

تحلیل تجربه فضایی برج آزادی و پل طبیعت
توالی فضایی تجربه کاربران نشان می‌دهد چگونه فضاها به تدریج درک و کشف می‌شوند. در برج آزادی، مسیر حرکت از میدان آزادی آغاز شده و وارد ورودی زیرزمین می‌شود، سپس کاربران به فضای موزه وارد شده و به تدریج به طبقات بالاتر حرکت می‌کنند تا در نهایت به سکوی بالای برج برسند. این توالی فضایی تجربه‌ای چندحسی را ایجاد می‌کند: دیداری (منظر میدان و شهر)، شنیداری (پژواک صدا در زیرزمین) و لمسی (احساس سنگ و بتن). علاوه بر این، تجربه معنایی بازدیدکننده با نماد هویت ملی پیوند می‌یابد. در پل طبیعت، مسیر پیاده‌روی کاربران از ورودی پارک شروع شده و به طبقه اول حرکت می‌کند. سپس در طبقه دوم برای مکث و استفاده از کافه توقف دارند و در نهایت به طبقه سوم می‌رسند تا از چشم‌اندازهای کوه البرز و شهر لذت ببرند. تجربه فضایی پل طبیعت نیز چندحسی است و شامل دیداری (چشم‌اندازهای طبیعی و شهری)، شنیداری (صدای پرندگان و مردم)، بویایی (عطر طبیعت و فضای سبز) و لمسی (چوب و فلز مسیر) می‌شود. تجربه معنایی این مسیر، ایجاد پیوند اجتماعی و تعامل با طبیعت است. برای مقایسه این دو نمونه، می‌توان مسیر حرکتی و تجربه‌های حسی مرتبط را در جدول ۶ خلاصه کرد.

از منظر پدیدارشناختی، معماری زمانی معنا می‌یابد که انسان در فضا حضور یابد و تجربه‌ای زیسته از آن به دست آورد. بنابراین، بررسی روایتگری در معماری صرفاً به کالبد یا عملکرد محدود نمی‌شود بلکه به کیفیت «حضور» در فضا وابسته است. بر همین اساس، نمونه‌های معماری معاصر ایران در این پژوهش نه تنها به عنوان ابژه‌های کالبدی بلکه به مثابه «مکان‌هایی برای بودن» دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند. این دسته‌بندی بر مبنای کیفیت‌های گوناگون حضور در فضا انجام شده است که شامل چهار مقوله اصلی است:

از منظر پدیدارشناختی، معماری زمانی معنا می‌یابد که انسان در فضا حضور یابد و تجربه‌ای زیسته از آن به دست آورد. بنابراین، بررسی روایتگری در معماری صرفاً به کالبد یا عملکرد محدود نمی‌شود بلکه به کیفیت «حضور» در فضا وابسته است. بر همین اساس، نمونه‌های معماری معاصر ایران در این پژوهش نه تنها به عنوان ابژه‌های کالبدی بلکه به مثابه «مکان‌هایی برای بودن» دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند. این دسته‌بندی بر مبنای کیفیت‌های گوناگون حضور در فضا انجام شده است که شامل چهار مقوله اصلی است:

۱) **حضور آیینی و معنوی:** جایی که فضا نقش یادمانی یا آیینی دارد و هویت ملی یا دینی را بازنمایی می‌کند.
۲) **حضور جمعی و اجتماعی:** فضاهایی که بستری برای اجتماع، تعامل اجتماعی و تجربه‌های جمعی فراهم می‌آورند.
۳) **حضور فرهنگی و هنری:** فضاهایی که در آن تجربه هنری و فرهنگی، شکل دهنده روایت فضایی است.

۴) **حضور روزمره و زیسته:** فضاهایی که در پیوند مستقیم با زندگی روزمره، سکونت یا فراغت شکل می‌گیرند.

این دسته‌بندی نشان می‌دهد معماری معاصر ایران طیفی متنوع از کیفیت‌های حضور را در بر می‌گیرد (جدول ۵). برج آزادی و مسجد ولیعصر با ایجاد فضایی آیینی و نمادین، نوعی مراقبت از هویت و ارزش‌های فرهنگی - دینی را بازتاب می‌دهند. ورزشگاه آزادی و پل طبیعت به عنوان فضاهای جمعی، تجربه زیسته و تعامل اجتماعی را تقویت می‌کنند. در سوی دیگر، تئاتر شهر و موزه هنرهای معاصر، بستر روایتگری فرهنگی و هنری هستند، در حالی که شهرک شوشتر نو و برج میلاد بیش از همه با حضور روزمره، زندگی اجتماعی و تجربه‌های فراغتی در پیوندند.

این تحلیل نشان می‌دهد تجربه فضایی در هر دو نمونه تنها به مشاهده بصری محدود نمی‌شود و با ترکیب حواس مختلف و معناهای مرتبط با مکان، تجربه‌ای غنی و چندبعدی برای کاربران ایجاد می‌کند. چنین رویکردی امکان درک عمیق‌تر و تحلیل دقیق‌تر رابطه بین ساختار فضایی و تجربه کاربران را فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف پاسخ به پرسش پژوهش (معماری روایتگر شامل چه ساخت و ویژگی‌هایی است؟) از طریق روش فراترکیب و تکیه بر چهارچوب پدیدارشناسی هایدگری، به شناسایی و تبیین مقوله‌های بنیادین معماری روایتگر پرداخت. یافته‌ها که از تحلیل ۵۷ پژوهش منتشر شده بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ به دست آمدند، ۷۰ کد اولیه را به ۱۰ مقوله اصلی دسته‌بندی کردند: (۱) هویت و معنا، (۲) روایت تاریخی و میراث، (۳) تجربه حسی و ادراکی، (۴) تعامل کاربر با فضا و زمینه، (۵) ساختار و فرم روایتگر، (۶) بیان سمبلیک، (۷) روایت‌های موضوعی و زمینه‌ای، (۸) تلفیق و پیوند در طراحی، (۹) تعامل با زمینه و جامعه و (۱۰) کیفیت زندگی و هویت

جدول ۴. تطبیق ۱۰ مقوله معماری روایتگر با نمونه‌های معماری معاصر ایرانی. مأخذ: نگارندگان.

مقوله‌های شناسایی شده	برج آزادی	تئاتر شهر	شهرک شوشتر نو	ورزشگاه آزادی	موزه هنرهای معاصر تهران	برج میلاد	پل طبیعت	مسجد ولیعصر
هویت و معنا	نماد ملی و مدرنیته ایرانی	هویت فرهنگی و هنری	هویت بومی و اجتماعی	هویت ورزشی و ملی	هویت هنری و معاصر	نماد پیشرفت و فناوری	هویت شهری و جمعی	هویت دینی و معاصر
روایت تاریخی و میراث	روایت گذار سنت-مدرنیته	روایت تحولات فرهنگی پس از دهه ۴۰	بازتاب زندگی اجتماعی خوزستان	روایت همبستگی ملی	روایت هنر مدرن جهانی در ایران	روایت توسعه پایتخت	روایت پیوند انسان-طبیعت	روایت دین در متن کلان شهر
تجربه حسی و ادراکی	بازی نور و سایه در سنگ سفید	آکوستیک سالن‌ها و حرکت چرخشی	تجربه اقلیم گرم و بادگیرها	حس حضور و جمعی و فریادهای استادبوم	نورگیرها و گالری‌های پیوسته	چشم‌انداز شهری و شب‌نمایی	حرکت بر مسیرهای متقاطع و دید شهری	ترکیب نور، بتن و فضای آیینی
تعامل کاربر با فضا و زمینه	ارتباط با میدان آزادی	پیوند با بافت شهری مرکزی	طراحی براساس اقلیم و زندگی محلی	ارتباط با شهر و ورزش عمومی	پیوند با پارک لاله و بستر شهری	پیوند با شبکه بزرگراه‌ها	اتصال دو پارک شهری	ارتباط با خیابان ولیعصر و شهر
ساختار و فرم روایتگر	فرم طاق‌مانند و هندسه نمادین	پلان دایره‌ای و سالن‌های پیرامونی	بافت ارگانیک و سلسله‌مراتب فضایی	مقیاس عظیم و سازمان محوری	ترکیب مسیرهای زیرزمینی و نورگیرها	سازه مرتفع و تکنولوژیک	مسیرهای چندلایه و پلنفرم‌ها	فرم مدرن با الهام از سنت
بیان سمبلیک	تلفیق سنت ایرانی و مدرن	فرم دایره‌ای به‌عنوان نماد اجتماع	نشانه‌های اقلیمی و اجتماعی	نماد قدرت و همبستگی	نماد گذار هنر ایران	نماد مدرنیته و فناوری	نماد پیوند و اجتماع	نماد بازخوانی معماری مذهبی
روایت‌های موضوعی و زمینه‌ای	روایت ملی و تاریخی	روایت فرهنگی و هنری	روایت اجتماعی-محلی	روایت ورزشی و ملی	روایت هنری و جهانی	روایت فناوری و مدرنیته	روایت زیست‌محیطی و اجتماعی	روایت دینی معاصر
تلفیق و پیوند در طراحی	تلفیق سنت و مدرنیته	پیوند هنر نمایش با معماری	تلفیق معماری بومی و نوین	ترکیب ورزش، شهر و هویت ملی	پیوند معماری مدرن با فرهنگ ایرانی	تلفیق سازه، تکنولوژی و هویت شهری	پیوند طبیعت، انسان و شهر	تلفیق سنت مذهبی با معماری معاصر
تعامل با زمینه و جامعه	فضای شهری و ملی	مرکز تجمع فرهنگی	زندگی اجتماعی و همسایگی	اجتماع ملی در رویدادها	مرکز تعامل هنری	مرکز فناوری و گردشگری	اجتماع شهری و خانوادگی	اجتماع مذهبی در بستر شهری
کیفیت زندگی و هویت معمار	ارتقای حسی ملی و هویت شهری	ارتقای فرهنگ شهری	بهبود کیفیت زندگی اجتماعی	تقویت نشاط جمعی	ارتقای تجربه هنری	تقویت گردشگری و اقتصاد شهری	ارتقای تجربه جمعی و فراغتی	ایجاد تجربه آیینی معاصر

جدول ۵. دسته‌بندی نمونه‌های معماری معاصر ایران براساس کیفیت حضور در فضا. مأخذ: نگارندگان.

نوع حضور در فضا	نمونه‌ها	ویژگی‌های بارز روایتگری فضایی
آیینی و معنوی	برج آزادی، مسجد ولیعصر	نماد ملی/دینی، روایت هویت جمعی، بازتاب ارزش‌های فرهنگی
جمعی و اجتماعی	ورزشگاه آزادی، پل طبیعت	تجمع مردم، تعامل اجتماعی، تجربه فراغتی و جمعی
فرهنگی و هنری	تئاتر شهر، موزه هنرهای معاصر	روایت هنر، تجربه حسی-ادراکی، بیان فرهنگی
روزمره و زیسته	شهرک شوشتر نو، برج میلاد	زندگی محلی، پیوند با اقلیم و شهر، تجربه فراغتی و گردشگری

جدول ۶. مسیر حرکتی و تجربه‌های حسی مرتبط در برج آزادی و پل طبیعت. مأخذ: نگارندگان.

بنا	توالی فضایی	تجربه دیداری	تجربه شنیداری	تجربه لمسی	تجربه معنایی
برج آزادی	ورودی - زیرزمین - بالا	منظر میدان و شهر	پژواک صدا	سنگ و بتن	نماد هویت ملی
پل طبیعت	طبقه یک، دو و سه	چشم‌انداز البرز و شهر	صدای پرندگان و مردم	چوب و فلز	پیوند اجتماعی و طبیعت

زمینه‌های و تلفیق و پیوند در طراحی بر اهمیت هماهنگی با اقلیم و فرهنگ محلی و یکپارچگی عناصر طراحی تأکید دارند که به مفهوم چهارگانه هایدگر مرتبط است. در نهایت، کیفیت زندگی و هویت معمار به تأثیر معماری بر زندگی روزمره و نقش خلاقیت معمار اشاره دارد، مقوله‌ای که در مطالعات پیشین کمتر به آن توجه شده است. این پژوهش با افزودن مقوله‌های نوین مانند کیفیت زندگی و هویت معمار و تلفیق و پیوند در طراحی، ابعادی جدید به ادبیات روایتگری در معماری افزود. برخلاف مطالعات نشانه‌شناختی مانند اکو (Eco, 1986) که بر نمادها و کدهای فرهنگی تمرکز دارند، این پژوهش با تأکید بر خوانش پدیدارشناختی، رویکردی وجودی و عمیق‌تر ارائه داد. همچنین، در مقایسه با سیامون (Seamon, 2018) که بر مکان‌سازی تمرکز داشت، این مطالعه با بررسی نقش هویت فردی معمار و تأثیرات اجتماعی معماری، چهارچوبی جامع‌تر ارائه کرد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده جامعیت یافته‌های پژوهش در پوشش ابعاد فرهنگی، اجتماعی و وجودی معماری روایتگر است. از منظر نظری، این مطالعه تأیید می‌کند که معماری روایتگر نه تنها به‌عنوان ابزاری برای انتقال داستان‌ها عمل می‌کند بلکه فضایی برای سکنی‌گزیدن معنادار انسان در جهان فراهم می‌سازد. این دیدگاه با تأکید هایدگر بر سکنی‌گزیدن هم‌خوانی دارد که معماری را فراتر از فرم و عملکرد، به‌عنوان بستری برای تجربه وجودی معرفی می‌کند (Heidegger, 1971).

از منظر عملی، یافته‌های این پژوهش می‌توانند به معماران، طراحان شهری و برنامه‌ریزان کمک کنند تا رویکردی معناگرایانه و انسان‌محور در طراحی فضا اتخاذ نمایند. مقوله‌های شناسایی شده در این پژوهش، از جمله هویت و معنا، روایت تاریخی و میراث و تجربه زیسته، ابزاری مفهومی در اختیار معمار قرار می‌دهند تا طراحی را فراتر از پاسخ به عملکرد صرف، به سمت خلق فضاهایی با عمق فرهنگی، اجتماعی و احساسی سوق دهند. برای نمونه، در طراحی فضاهای شهری، توجه به روایت‌های تاریخی و جمعی می‌تواند به بازآفرینی حس تعلق و حافظه جمعی بینجامد. در طراحی موزه‌ها، مسیرهای حرکتی، توالی فضاها، نورپردازی و حتی مصالح می‌توانند نقش روایت‌ساز ایفا کنند. در فضاهای عمومی نیز، درک نیازهای زیسته کاربران، انعطاف‌پذیری فضا و توجه به تجربه حسی و اجتماعی، زمینه‌ساز سکنی‌گزینی اصیل خواهد بود. چهارچوب مفهومی ارائه‌شده در این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک ابزار تحلیلی و طراحی استفاده شود تا معماران بتوانند به‌صورت آگاهانه، از فضا برای بیان هویت، بازتاب میراث و غنای تجربه زیسته استفاده کنند.

معمار. این مقوله‌ها با مفاهیم کلیدی هایدگری مانند هستی در جهان، زمان‌مندی، مراقبت و «چهارگانه» تحلیل شدند و نشان دادند معماری روایتگر فراتر از کارکردهای فیزیکی، تجربه زیسته انسان را از طریق خلق معنا، ارتباط با تاریخ و تقویت حس تعلق غنی می‌کند. برای تقویت پیوند نظریه با تجربه واقعی، این مقوله‌ها به‌صورت تطبیقی در نمونه‌های شاخص معماری ایرانی بررسی شدند. تحلیل این نمونه‌ها نشان داد هر یک از مقوله‌های استخراج‌شده در ویژگی‌های فضایی، حسی و معنایی این بناها قابل ردیابی است و می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای خوانش روایت در معماری به کار رود. به این ترتیب، پرسش اصلی پژوهش با ارائه یک چهارچوب مفهومی مبتنی بر فلسفه هایدگر و آزموده‌شده در نمونه‌های واقعی پاسخ داده شد. این چهارچوب می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آتی، طراحی معماری و ارزیابی پروژه‌ها از منظر روایت‌مندی باشد. باین‌حال، ضرورت دارد در مطالعات آینده، این مدل در مطالعات میدانی و تحلیل تجربه زیسته کاربران به‌طور عمیق‌تری به محک گذاشته شود تا اعتبار و کارایی عملی آن تقویت شود.

مقوله هویت و معنا نشان‌دهنده نقش معماری روایتگر در بازتابی هویت‌های فردی و جمعی است که با مفهوم هستی در جهان هایدگر هم‌خوانی دارد. این مقوله تأیید می‌کند فضاهای روایتگر، کاربر را به تأمل در جایگاه وجودی خود دعوت می‌کنند (Heidegger, 1967). روایت تاریخی و میراث بر پیوند معماری با گذشته تأکید دارد و با مفهوم زمان‌مندی هایدگر، تجربه پیوستگی تاریخی را برای کاربر فراهم می‌کند. این یافته با مطالعات کوان (Kwon, 2007) هم‌راستا است که بر نقش موزه‌ها در انتقال روایت‌های تاریخی تأکید داشت (Coates, 2012). تجربه حسی و ادراکی نیز با تمرکز بر نقش حواس در درک فضا، به دیدگاه پالاسما (Pallasmaa, 2024) نزدیک است که معماری را هنری چندحسی می‌داند. این مقوله نشان می‌دهد معماری روایتگر از طریق نور، بافت و صدا، تجربه‌ای عمیق و چندلایه خلق می‌کند.

تعامل کاربر با فضا و زمینه و تعامل با زمینه و جامعه بر رابطه پویای انسان با محیط و اجتماع تأکید دارند که با مفهوم مراقبت هایدگر پیوند می‌خورند. این مقوله‌ها نشان‌دهنده توانایی معماری روایتگر در تقویت حس تعلق و مشارکت اجتماعی هستند، یافته‌ای که در کار سیامون (Seamon, 2018) نیز بر آن تأکید شده است. ساختار فرم روایتگر و بیان سمبلیک، به استفاده از فرم‌ها و نمادها برای انتقال معنا اشاره دارند که با دیدگاه هایدگر درباره معماری به‌عنوان «شعر» هم‌سو است (Heidegger, 1971). روایت‌های موضوعی و

to Jesus Christ is the lord. In *Proceedings of the 13th Docomomo International Conference: Expansion and conflict* (pp. 112-116). Seoul.

- Aroni, G. (2022). Visionary virtual worlds: Storytelling via digital architecture in NaissanceE. In *International Conference on Interactive Digital Storytelling* (pp. 684-696). Springer International Publishing.
- Baharuddin, F., Rahim, M. R., Harisah, A., & Radja, A. F. (2022). The visual meaning of a communal space in a lamin in Pampang Village, Samamida. *AIP Conference Proceedings*, 2680(1), 040001. <https://doi.org/10.1063/5.0095589>
- Barranha, H., Caldas, J. V., & Silva, R. N. N. D. (2017). Translating heritage into museums: two architectural strategies inside Lisbon Castle. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 7(1), 33-47. <https://doi.org/10.1108/JCHMSD-05-2016-0033>
- Barthes, R. (1977). *Image, Music, Text*. Fontana Press.
- Bauer, S., & Santos, E. S. (2021). Local modernism and universal aesthetics. In *The 16th International Docomomo Conference Tokyo Japan 2020+1 Proceedings: Inheritable Resilience: Sharing Values of Global Modernities* (pp. 974-979). Docomomo.
- Baydar, G. (2002). Tenuous boundaries: women, domesticity and nationhood in 1930s Turkey. *The Journal of Architecture*, 7(3), 229-244. <https://doi.org/10.1080/13602360210155429>
- Bernhardsson, M. T. (2008). Visions of Iraq: Modernizing the past in 1950s Baghdad. *Middle East Journal*, 62(4), 567-589.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Burton, L. O., & Salama, A. M. (2023). Sustainable development goals and the future of architectural education—cultivating SDGs-centred architectural pedagogies. *International Journal of Architectural Research*, 17(3), 421-442. <https://doi.org/10.1108/ARCH-08-2023-0201>
- Casale, T., & Garda, E. (2025). The narrative capacity of spaces for living: le corbusier's appartement-atelier in Paris. *Architectural Design*, 95(1), 56-67. https://doi.org/10.1007/978-3-031-71855-7_10
- Castillo, A. T. (2017). The possible influence of Ortega on contemporary architecture: In the case of the Roman Art Museum of Mérida. *Journal of Aesthetics and Art Criticism*, 75(3), 289-302.
- Choudhury, D., & Roy, S. (2015). Sustainable architecture and the human sense of place. *Environment, Development and Sustainability*, 20(5), 2103-2118. <https://doi.org/10.1007/s10668-015-9722-2>
- Chupin, J. P., Hazbei, M., & Pelchat, K. A. (2021). Three types of architectural educational strategies (AES) in sustainable buildings for learning environments in Canada. *Sustainability*, 13(15), 8166. <https://doi.org/10.3390/su13158166>
- Coates, N. (2012). *Narrative architecture*. John Wiley & Sons.
- Costa, E. A. (2021). Printed photographs: Brazilian architecture as it seems. *Visual Studies*, 36(3), 234-248. <https://doi.org/10.1080/1472586X.2021.1950096>
- De Carvalho, M., Barone, W. V., & Santos, E. S. (2021). São Paulo's

این کاربردها، معماری را از سطح کالبدی به سطحی وجودی و روایت‌محور ارتقا می‌دهند.

در زمینه معماری معاصر ایران نیز ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای توسعه و بومی‌سازی معماری روایتگر وجود دارد. نمونه‌هایی چون برج آزادی، تئاتر شهر، موزه هنرهای معاصر تهران، پل طبیعت و مسجد ولیعصر، روایت‌هایی چندلایه از هویت، اجتماع، آیین و زیبایی‌شناسی ایرانی را از طریق فرم، توالی فضاها و رابطه با زمینه شهری بیان می‌کنند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، چهارچوب مفهومی این مطالعه در بستر معماری معاصر ایران آزمون گردد تا پیوند میان روایتگری، تجربه زیسته و زمینه فرهنگی ایرانی به شکلی عملیاتی‌تر تبیین شود.

با این حال، این پژوهش محدودیت‌هایی نیز دارد. تمرکز بر مطالعات منتشر شده بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ و استفاده از پایگاه‌های خاص ممکن است برخی مطالعات مرتبط را حذف کرده باشد. همچنین وابستگی به چهارچوب پدیدارشناختی هایدگری ممکن است سایر دیدگاه‌های نظری را محدود کرده باشد. برای مطالعات آتی، پیشنهاد می‌شود نمونه‌های موردی واقعی از معماری روایتگر در مناطق مختلف جهان بررسی شوند تا یافته‌های نظری این پژوهش اعتبارسنجی شوند. علاوه بر این، استفاده از روش‌های ترکیبی، مانند ترکیب فراترکیب با تحلیل‌های میدانی، می‌تواند به درک عمیق‌تری از کاربردهای عملی معماری روایتگر منجر شود.

در مجموع، این پژوهش با ارائه چهارچوبی منسجم و چندبعدی، درک جدیدی از معماری روایتگر به‌عنوان رویکردی برای خلق فضاهای معنادار و غنی‌کننده تجربه زیسته ارائه کرد. یافته‌ها نه تنها به ادبیات نظری معماری کمک می‌کنند بلکه راهنمایی برای طراحی فضاهایی هستند که انسان را به‌عنوان موجودی درگیر با جهان، تاریخ و جامعه بازتاب می‌دهند. این مطالعه با تأیید و گسترش یافته‌های پیشین، نشان داد معماری روایتگر می‌تواند پلی بین گذشته و حال، فرد و جامعه و فرم و معنا ایجاد کند و از این طریق، به بهبود کیفیت زندگی و تقویت حس هویت و تعلق کمک کند.

فهرست منابع

- Abdelmonem, M. G. (2016). The abject dream of neo-capital: capitalist urbanism, architecture and endangered live-ability of the middle east's modern cities. *Open House International*, 41(2), 38-46. <https://doi.org/10.1108/OHI-02-2016-B0006>
- Acilu, A., & Labarta, C. (2020). M. Michaelis: photography as a testimony. Once upon a time in El Garraf. *Rita Revista Indexada de Textos Academicos*, (13), 102-109. <https://doi.org/10.24192/2386-7027>
- Adeyemo, A., & Amole, B. (2024). Understanding the multiple architectural modernities in colonial and postindependence Nigeria. *Curator: The Museum Journal*, 67(1), 159-182. <https://doi.org/10.1111/cura.12587>
- Alves, J. G. (2014). Cinema-theatres: From Jesus Christ Superstar

Armando Arruda Pereira, architect of the skyscraper: From the 1930s to the 1970s. *Journal of Urban History*, 47(5), 987-1004.

- De la Vega de León, M. (2022). Writing in the Margins: Speaking of (Hi) stories in Australia and New Zealand. *Fabrications*, 32(2), 293-311. <https://doi.org/10.1080/10331867.2022.2134551>
- Derrida, J. (2002). *Of Grammatology*. Motilal Banarsidass.
- Devos, R. (2016). Power, nationalism and national representation in modern architecture and exhibition design at expo 58. In *Nationalism and Architecture* (pp. 103-116). Routledge.
- Eco, U. (1986). Function and sign: semiotics of architecture. In *the City and the Sign: An Introduction to Urban Semiotics* (pp. 55-86). Columbia University Press.
- El-Ashmouni, M. M., & Salama, A. M. (2020). Contemporary architecture of Cairo (1990-2020): mutational plurality of "ISMS", decolonialism, and cosmopolitanism. *Open House International*, 45(1/2), 121-142. <https://doi.org/10.1108/OHI-04-2020-0007>
- Emmons, P., Goffi, F., & Coe, J. (2019). The Architecture of Latency. *Time & Society*, 28(4), 1345-1362. <https://doi.org/10.1177/0961463X19868483>
- Fernández-Morales, A., Hernández, L. A., & Muniesa, A. V. (2016). Miniaturised architecture and its contextualisation in contemporary art. *Revista Proyecto, Progreso, Arquitectura*, (15), 126-137. <https://doi.org/10.12795/ppa.2016.i15.09>
- Foucault, M., & Miskowicz, J. (1986). Of other spaces. *Diacritics*, 16(1), 22-27. <https://doi.org/10.2307/464648>
- Giannetti, I. (2021). Imagining Structures: A Historical Investigation About the Works of the Engineer and Architect Enrico Castiglioni in 1950s Italy. *Journal of Modern Italian Studies*, 26(4), 345-367. <https://hdl.handle.net/2108/273331>
- Grasser-Parger, A. (2024). Counter-heaven: design collaborative practice in the construction of the future. *Design Studies*, 85, 101-115. <https://doi.org/10.1016/j.destud.2024.101215>
- Grigas, A. (2023). Architectural Criticism in the Soviet Lithuania 1958-1988: Vision of the New Architecture in the Specialized Periodicals. *Journal of Sustainable Architecture and Civil Engineering*, 33(2), 58-71. <https://doi.org/10.5755/j01.sace.33.2.33419>
- Hamza, N. (2011). Identity of sustainability from technique to sensory and experiential. In *27th International Conference on Passive and Low Energy Architecture (PLEA)*. Newcastle University. <http://books.google.co.uk/books?q=9782874632761>
- Heidegger, M. (1967). *Being and Time*. Blackwell.
- Heidegger, M. (1971). *Poetry, Language, Thought*. Harper & Row.
- Ho, E. (2022). The neo-Victorian Hong Kong: Tai Kwun. *Journal of Heritage Tourism*, 17(4), 432-448. <https://doi.org/10.1080/1743873X.2022.2066631>
- Hvattum, M. (2018). Mere style?. *Architectural Theory Review*, 23(1), 45-62. <https://doi.org/10.1080/13264826.2018.1480078>
- Hvejsel, M. F., & Kirkegaard, P. H. (2013). *Wallpaper & Tectonics-a*

critical discussion of the state of the architectural discipline. In *Structures and Architecture-Concepts, Applications and Challenges* (pp. 119-120). CRC Press.

- Islambegović, V., Zgonić, A. I., & Salihović, E. (2023). Contemporary discourse of regionalism—Between sense and sensibility case studies: Two houses in Bosnia and Herzegovina. In *AIP Conference Proceedings* (Vol. 2928, No. 1, p. 160001). AIP Publishing LLC. <https://doi.org/10.1063/5.0170382>
- Jeon, H. J., & Park, S. B. (2015). Contemporary Architecture Theory and Game Storytelling. In *New Trends in Computational Collective Intelligence* (pp. 149-154). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-319-10774-5_14
- Jia, R. (2024). Revisiting 'Husayn Lin'. *Journal of Cultural Heritage*, 62, 45-58. <https://search.crossref.org>
- Keeping, M., & Shiers, D. (2017). *Sustainable building design: Principles and practice*. Wiley-Blackwell.
- Kwon, M. (2007). Experience vs. interpretation: traces of authenticity in site-specific art. *Journal of Visual Culture*, 6(1), 105-123. <https://doi.org/10.1177/1470412907075070>
- Lévi-Strauss, C. (2008). *Structural Anthropology*. Basic Books.
- Loakaewnoo, T. (2024). The composition and value of architectural heritages in Pattani old town. *Journal of Architectural/ Planning Research and Studies (JARS)*, 21(1), 35-48. <https://doi.org/10.56261/jars.v21.255557>
- Lotfi, S., & Sholeh, M. (2024). *Berries of the lost garden: Narrating the life and legacy of an iconic architect*. Life Writing.
- Lus Arana, L. M. (2013). Le Corbusier read comic books: Notes on the interactions between architecture and graphic narrative. *Journal of Graphic Novels and Comics*, 15(15), 47-58.
- Mavromatidis, L. (2025). Constructal thermodynamics and its semantic ontology in autopoietic, digital, and computational architectural and urban space open systems. *BioSystems*, 249, 105404. <https://doi.org/10.1016/j.biosystems.2025.105404>
- Merleau-Ponty, M. (1962). *Phenomenology of Perception*. Routledge.
- Norberg-Schulz, C. (2000). *Architecture: Presence, Language and Place*. Skira.
- Norouzi, M., & Khademi, S. (2021). Geography: a hidden antidote to rescue modern architecture. In *Hidden Geographies* (pp. 295-312). Springer International Publishing.
- Ortiz, J. L. U. (2018). Contemporánea de Paraguay limits of action: The artisan process as project method in the contemporary architecture of Paraguay. *Revista Proyecto, Progreso, Arquitectura*, (20), 146-159. <https://www.scopus.com/pages/publications/85050019242>
- Pallasmaa, J. (2024). *The eyes of the skin: Architecture and the senses*. John Wiley & Sons.
- Patteuw, V., & Szacka, L. C. (2018). *Mediated messages: Periodicals, exhibitions and the shaping of postmodern architecture*. Bloomsbury Publishing.

- Pereira, P. M. (2020). "Urbanistic architecture" according to raul lino: visions of the Portuguese city in the first half of the 20th century (1900-1948). *Enquiry The ARCC Journal for Architectural Research*, 17(1), 1-27. <https://doi.org/10.17831/enq:arcc.v17i1.1064>
- Pérez-Moreno, L. C. (2017). Writing the history of Spanish modern architecture: Texts by Flores and Fullaondo from the 1960s. *Journal of Architecture*, 22(2), 1-21. <https://doi.org/10.1080/13602365.2017.1299196>
- Pisani, D. (2018). Re-considering Lina Bo Bardi: The São Paulo Museum of Art, from myth to history. *Art History*, 41(3), 432-456. <https://doi.org/10.1111/1467-8365.12382>
- Psarra, S. (2009). *Architecture and narrative: The formation of space and cultural meaning*. Routledge.
- Putz, A. W. (2019). Housing paul and paula: building repair and urban renewal in the German democratic republic. *Architectural Histories*, 7(1). <https://doi.org/10.5334/ah.302>
- Rahubadda, A., & Kulatunga, U. (2024). Harnessing nature's blueprint: Biomimicry in urban building design for sustainable and resilient cities. *Sustainable Cities and Society*, 102, 105-120. <https://doi.org/10.31705/WCS.2024.42>
- Rodrigues, I. (2022). The role of construction companies in modern housing: Precol's footprint in late colonial Angola. In *Proceedings 17th International Docomomo Conference. Docomomo International*.
- Roslan, S. B., & Anuar, A. N. (2021). Addition, adaptation, elements and the palimpsest: a case study of the angkasapuri complex's timeline through diagram analysis. In *Advances in Civil Engineering Materials: Selected Articles from the International Conference on Architecture and Civil Engineering (ICACE2020)* (pp. 131-139). Springer Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-33-6560-5_15
- Ryan, M. L. (2015). *Narrative as virtual reality II: Revisiting immersion and interactivity*. Johns Hopkins.
- Sánchez, S. R. (2021). A forgotten history of colombian architecture: rural housing and modernization during the liberal republic. *Journal of Architectural History*, 45(3), 123-145. <https://doi.org/10.1525/jshah.2021.80.3.279>
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*. Springer Publishing Company.
- Scarrochia, S. (2012). The Italian memorial at Auschwitz: An approach through conservation theory. *Images*, 6(1), 119-129. <https://doi.org/10.1163/18718000-12340009>
- Seamon, D. (2018). *Life takes place: Phenomenology, lifeworlds, and place making*. Routledge.
- Serrano, I. B., & Moreno, L. C. P. (2012). Notes on the appraisal of the architect's photographic portrait: Paco Gómez and Juan Daniel Fullaondo. *History of Photography*, 36(4), 389-404.
- Shen, C., & Yu, C. (2024). The virtual-real measurement of Chinese garden impression: A quantitative analysis of cognitive experience of Jiangnan gardens with virtual reality experiments. *Frontiers of Architectural Research*, 13(4), 895-911. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2024.02.007>
- Singh, V., Kaur, S., & Indra, A. V. (2024). Sustainable practices in Kenya's vernacular architecture: A case study of the homesteads of the Kuria community. *Journal of Vernacular Architecture*, 29(2), 89-104. <https://doi.org/10.1016/j.jvemarch.2024.101234>
- Somogyi, K., Dúll, A., & Cságyoly, F. (2024). *Schools of architects – An environmental psychological study of architects' recalled high school environment*. Magyar Pszichológiai Szemle.
- Trindade, I. (2021). From modern architecture to the modern city: Lessons from cinema. *City*, 25(5-6), 678-694. <https://doi.org/10.1080/13604813.2021.1947736>
- Tschumi, B. (1996). *Architecture and disjunction*. MIT Press.
- Van de Riet, K., Aquino-Thomas, J., & Conradie, P. (2017). Integration of habitat grammars for biodiverse and resilient coastal structures. *The Plan Journal*, 2(2), 211-227. <https://doi.org/10.15274/tpj.2017.02.02.04>
- Zein, R. V. (2021). Modernisms in antipodes: Theoretical considerations & a case study. *Journal of Postcolonial Writing*, 57(3), 345-360. <https://dSPACE.mackenzie.br/handle/10899/34773>
- Zumthor, P. (1988). *Thinking architecture*. Lars Müller.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
نواب لاهیجانی، شیرین؛ حقیر، سعید؛ اکبری، علی و عبدالهی، رکسانا. (۱۴۰۴). روایتگری در معماری معاصر: خوانش پدیدارشناسی
هایدگری. باغ نظر، ۲۳ (۱۵۴)، ۱۹-۳۲.

DOI: [10.22034/bagh.2025.522717.5819](https://doi.org/10.22034/bagh.2025.522717.5819)
URL: https://www.bagh-sj.com/article_234262.html

